بهترین‌های کنکور ساکن شهرهایی با قدرت سیاسی اقتصادی

بررسی نفرات برتر کنکور در سه گروه آزمایشی تجربی، ریاضی و علوم انسانی طی سال‌های گذشته نشان می‌دهد تعداد قابل توجهی از آنها ساکن شهرهایی هستند که قدرت سیاسی و اقتصادی دارند.

به گزارش خبرآنلاین، آزمون سراسری در یکی دو سال گذشته خیلی مورد توجه قرار گرفته است، تغییر سازوکار سنجش و پذیرش دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه‌ها دلیل اصلی این توجه است، برخلاف گذشته نه فقط نتایج آزمون سراسری بلکه این‌بار معدل دانش‌آموزان در مدرسه هم تاثیر زیادی بر قبولی آن‌ها دارد، روشی که همچنان موافق و مخالف خودش را دارد، در همین یکی دو روز گذشته بعد از رای اعتماد مجلس به وزیر آموزش و پرورش یک‌بار دیگر تاثیر قطعی معدل در نتایج پذیرش دانشگاه‌ها سر زبان‌ها افتاد، این‌که آیا این روش مجددا تغییر می‌کند یا نه بسته به آینده و تصمیم تصمیم‌گیران دارد اما چیزی که مهم است این‌که با همین روش فعلی نتایج کنکور اعلام شد.

به سیاق سال‌های گذشته، قبل از اعلام عمومی نتایج کنکور اسامی نفرات برتر در گروه‌های آزمایشی مختلف اعلام شد. در سه گروه تجربی، ریاضی فیزیک و علوم انسانی پسرها در رتبه‌های یک تا ده نفر اول سهم بیشتری داشتند، ۲۶ نفر از ۳۰ نفر اول در سه گروه آزمایشی (تجربی، ریاضی، انسانی) پسرها بودند و ۴ نفر از دخترها توانستند در این سه گروه آزمایشی جزو رتبه‌های برتر باشند.

هر سال با اعلام نفرات برتر کنکور، هر شهر سهم خودش را برمی‌دارد، اما مانند همیشه این تهران است که سهم بیشتری دارد، اتفاقی که امسال هم تکرار شد، با توجه به نتایج اعلام شده از ۳۰ نفر برتر در سه گروه آزمایشی تجربی، ریاضی فیزیک و علوم انسانی ۱۱ نفر تهرانی هستند، یعنی چیزی حدود ۳۶.۶ درصد از نفرات برتر کنکور ۱۴۰۳ (سه گروه تجربی، ریاضی و علوم انسانی) در تهران زندگی می‌کنند. این سهم برای مشهد و تبریز هر کدام ۳ نفر است و ۲ نفر از نفرات برتر کنکور امسال ساکن یزد هستند و ۱۱ نفر باقی مانده سهم شهرهایی مانند بندعباس، ارومیه، نیشابور، رشت، ساری، سبزوار، خراسان جنوبی، قزوین، بیرجند، کرمانشاه و اصفهان شده است.

نتایج نفرات برتر کنکور در سال‌های قبل هم نشان می‌دهد باز سهم شهر تهران از سایر شهرها بیشتر است، مثلاً در سال ۱۴۰۲ و در میان ۲۶ نفرات برتر از سه گروه آزمایشی تجربی، ریاضی فیزیک و علوم انسانی، ۹ نفر تهرانی بودند، یعنی چیزی حدود ۳۴.۶ درصد از نفرات برتر کنکور سال قبل در تهران زندگی می‌کردند، در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۰ هم وضعیت به همین روال بود و در این دو سال شهر تهران با سهم ۸ نفری از ۳۰ نفر برتر کنکور در سه گروه آزمایشی منتظر ۲۶.۶ درصد بهترین‌ها را از آن خود کرد.

اما در چهار سال گذشته (۱۴۰۳ – ۱۴۰۰) علاوه بر تهران چند شهر دیگر هم هستند که سعی کردند سهم خودشان را از نفرات برتر کنکور حفظ کنند، مشهد، تبریز، یزد و اصفهان چهار شهری هستند که نتایج نفرات برتر کنکور نشان می‌دهد آن‌ها همواره خودشان را جزو مدعی‌ها نشان داده‌اند. تهران با ۳۱ نفر، مشهد با ۱۰ نفر، تبریز با ۷ نفر و یزد و اصفهان هرکدام با ۶ نفر رتبه برتر کنکور در سال‌های ۱۴۰۰ تا همین کنکور امسال، نشان دادند رقبای خوبی برای یکدیگر هستند.

توجه به اسامی شهرها و تعداد نفرات برتر کنکور نشان می‌دهد، رتبه‌های یک تا ۱۰ کنکور در سال‌های گذشته اغلب میان شهرهایی تقسیم شده است که جایگاه اقتصادی و سیاسی بهتری نسبت به سایر شهرها دارند، قطعا تمرکز ثروت سبب‌ساز بهره بردن از امکانات بیشتری برای تحصیل و آموزش می‌شود، کما این‌که به گزارش رسانه‌ها در همین کنکور ۱۴۰۳، از میان ۳۰ نفر نخست گروه‌های ریاضی، تجربی و انسانی ۲۲ نفرشان دانش‌آموزان سمپادی بوده‌اند.

دین و اندیشه

آیا دعا بر خداوند اثر دارد؟

هادی حکیم شفایی: یکی از مهمترین تجلی‌های دینداری در تمام جوامع بشری و اصلی‌ترین مظهر ایمان به ساحت قدسی، نیایش یا دعا است. تمام آیین‌های معنوی و ادیان، چه ادیان نخستین و چه ادیان تکامل یافته‌تر، مناسک نیایش را داشته‌اند و پیروان آنها، به این سنت دینی عمل می‌کرده‌اند. نیایش می‌تواند کارکردهای روانشناختی، اجتماعی، سیاسی و هستی شناختی داشته باشد. این نوشتار، از منظر هستی‌شناسی و برای تبیین نسبت دعا با امکان اثرگذاری بر خداوند به این موضوع می‌پردازد. اندیشمندان و عارفان، هر یک تعاریف گوناگونی از نیایش ارائه کرده‌اند. الکسیس کارل، فیزیولوژیست و برنده جایزه نوبل، در تعریف ماهیت نیایش می‌گوید به نظر می‌رسد که نیایش، یک کشش روحی است به سوی کانونِ غیر مادی هستی که در قالب تضرّع، ناله‌ی مضطربانه، طلب استعانت و گاهی بصورت یک حالت کشف و شهودِ آرام درونی فرای همه محسوسات، بروز می‌کند. از نظر او، نیایش، حالت عاشقانه‌ای است نسبت به آن مبدا که معجزه‌ی حیات از آن سر زده است. گاندی می‌گوید نیایش یعنی با تکریم و تقدیسِ خدا، چیزی را از او خواستن. ماهیت این عمل، چیزی جز اشتیاق برآمده از دل برای یکی شدن با خالق و طلبِ رحمت از او نیست. در چنین حالتی، آنچه اهمیت دارد حس و حال فرد است، نه واژه‌هایی که بر زبان می‌راند.

ابن سینا با رویکردی فلسفی، در مورد دعا می‌گوید اولاً دعا خود بخشی از قضا و قدر الاهی در نظام اسباب و مسبّبات بوده، بمنزله‌ی وسائط و اسبابی است که موجب وصول داعی به مقصد می‌گردد. ثانیاً فعل انسان با همه ویژگی‌هایش، از جمله اختیاری بودنش، معلوم و مرادِ حق‌تعالی بوده و نقش‌آفرینیِ عواملِ معنوی در تعیین سرنوشت بشر در همین راستا ارزیابی می‌گردد.

از نگاه مولانا جلال الدین محمد بلخی، دعا و نیایش، غذای روح و ریسمانی است که با تمسک به آن، می‌توان از چاه هجر نجات یافت. از نظر مولوی، نجواهای عاشقانه با معبود، غذای باطن انسان است و موجب تزکیه‌ی دل و رفع آلودگی از وجود انسان می‌شود. مولوی یکی از اهداف اصلی خلقتِ انسان را دعا و گریه و زاری به درگاه خداوند می‌داند.

اما نگاه انسان نسبت به ماهیت دعا از عصر روشنگری و سیطره‌ی عقلانیت مدرن تاکنون، دچار شکاف بزرگی گردیده است. از یک سو، طبق نظریه‌ی آشکارگیِ خداوند یا انکشاف وحی، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد خداوند، خود را بر برخی بندگان خویش عرضه می‌کند و وجود و تاثیر خویش را آشکار می‌سازد. بسیاری از مومنان و حتی برخی از غیرمومنان در گزارشات خویش چنین عنوان می‌کنند که وجود خداوند را و یا یک قدرت مافوق را گاه در زندگی خویش احساس می‌کنند. این احساسِ آشکارگیِ خداوند که از دریچه‌ی شهود بدست می‌آید در ادیان الاهی و از نگاه متالهان، به عنوان نشانه‌ای بر وجود خداوند تلقی شده است از سوی دیگر، به عنوان یکی از پرمناقشه‌ترین وجوهِ دینداری در جهانِ راززدایی‌شده‌ی مدرن، با پدید آمدنِ عقلانیت نقاد و علم و شتاب گرفتنِ فرایندِ شناختِ قوانین طبیعت، دعا تاثیرگذاری‌اش را در ایجاد تغییر در جهان، از نظر بسیاری از انسان‌ها دست داده است. در راس همه، جریان فکری خداناباوران بنیادگرا یا ساینتیست‌آتئیست‌ها هستند که بطور مطلق بر خرافه بودنِ دعا تاکید می‌کنند و تلاش می‌کنند با انکارِ تاثیرِ دعا بر روند رویدادهای عالم، اساس اندیشه‌های خداباورانه را رد کنند. مدعای اصلی آنها این است که دعا صرفاً موجبِ تسکین و آرامش فردِ دعاکننده می‌شود و بر مخاطبِ فرضی و بر اموراتِ این‌جهانی، هیچ تاثیری نمی‌گذارد. با این وجود، برخی اندیشمندان خداباور همچون کلت، سالاوس ولک و مایلز نیز معتقد بودند دعا صرفاً بر خود فرد و تقویت قوای پذیرش فرد اثر می‌گذارد.

انواع دعا

از طرفی، به نظر می‌رسد عموم خداباوران بر تحققِ حداکثریِ خواسته‌های دنیوی خود به‌واسطه دعا اصرار می‌ورزند. برای ارزیابی دقیق‌تر، می‌بایست انواع دعا و نیایش را بشناسیم تا بتوانیم حدود و ثغور کارآمدی دعا را دریابیم. کارکردهای دعا نزد عموم دینداران و نیز خداباوران بی‌دین از این قرار است:

۱. دعاهای حاجت‌مندانه (برای برآوردن حاجات، آرزوها و حل مشکلات دنیوی به دو شکل سلبی و ایجابی)

۲. دعاهای تسلی‌بخش (برای کسب آرامش، شادی و تسلی روان)

۳. دعاهای آخرت‌گرایانه (برای کسب پاداش اخروی یا رحمت الاهی)

۴. دعاهای سپاسگزارانه

۵. دعاهای ستایش‌گرانه

۶. دعاهای شکرگرانه

به نظر می‌رسد از میان شش نوع دعا و نیایش‌های رایج، مهمترین نوع دعایی که در آن، دعاکننده انتظار تاثیرگذاری بر خداوند و تحقق خواسته‌های دنیوی خود را دارد دعاهای حاجت‌مندانه است. دعاهای حاجت‌مندانه‌ی ایجابی زمانی است که دعاکننده از خداوند می‌خواهد کاری را انجام دهد یا رویدادی را محقق سازد. دعاهای حاجت‌مندانه‌ی سلبی زمانی است که دعاکننده از خداوند می‌خواهد مانع انجام یا وقوع رویدادی گردد مثلا جلوی حوادث یا بلاهایی را بگیرد.

ویژگی مهم دیگر دعاهای حاجت‌مندانه این است که به نظر می‌رسد عموم دینداران، نگاهی حداکثری نسبت به تاثیرپذیریِ خداوند و تحقق خواسته‌های خود دارند. گویی اکثر دینداران، تحقق کوچکترین خواسته‌ها تا بزرگترین آرزوهای خود را به خداوند حواله می‌کنند. از یافتن شغل، کسب ثروت، ازدواج و نفرین علیه دشمن گرفته تا پذیرش در آزمون و پیروزی تیم ملی، همه در فهرست حاجاتِ اکثر مومنان مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد از میان انواع دعاهای شش‌گانه‌ی فوق، دعاهای حاجت‌مندانه، بیش از سایر انواع، مورد مناقشه است و همین رویکردِ حداکثری نسبت به تاثیرپذیریِ خداوند در تحقق حاجات است که اساس دعا و نیایش را در نظر انسان مدرنِ عقل‌گرا به چالش گرفته و انکار آن را موجب شده است. یکی از استدلال‌هایی که وجود خدا در جهان را به چالش می‌کشد، برهان اختفای الهی است. جان آل شلنبرگ فیلسوف کانادایی معاصر، نخستین بار، این استدلال را بهصورت برهانی الحادی علیه وجود خداوند مطرح کرد. او مدعی شد که پنهان بودنِ خداوند، قرینه‌ای است بر ناموجه بودن خداباوری. شلنبرگ در بیان مسئله اختفای الهی می‌گوید که عده‌ای از مردم، قرائن و نشانه‌هایی از وجود خداوند را در زندگی خود احساس نمی‌کنند. خداوند برای انسانها به‌قدر کافی قرائن و شواهدی بر وجود خود عرضه نکرده است و از این‌رو، او در خفاست. به اعتقاد شلنبرگ، پنهان بودن خداوند، در تضاد با برخی اوصافِ خدای ادیان توحیدی است. خدایی که در ادیان توحیدی با اوصاف عالم مطلق، خیر مطلق و قادر مطلق شناخته می‌شود در مقابل مدعای اختفای خداوندِ رنگ می‌بازد. در واقع، شلنبرگ معتقد است که به دلیل نبودِ قرائن شفاف، تردید درباره وجود خدا نیز امری معقول است به این معنا که وقتی خداوند خود را به نحو آشکاری عرضه نکرده است، پس می‌توان او را انکار کرد و به طریق اولی، استجابت دعاهای مومنان را.

دو پرسش درباره دعا و اجابت آن

چرا رویکرد حداکثری نسبت به دعاهای حاجت‌مندانه باطل است؟

آیا می‌توان تبیینی فلسفی ارائه کرد که به نوعی، تاثیرپذیری خداوند و تحقق حاجات را در شرایطی خاص موجه سازد؟ در پاسخ به پرسش اول باید گفت به نظر می‌رسد که عموم دینداران جهان، پای خداوند را در گستره‌ای از امور دنیوی به میان می‌کشند و به غلطی بر این باورند که برای هر خواسته‌ی کوچک و بزرگ و تحت هر شرایطی، می‌توانند به خداوند مراجعه کنند اما مشکل بزرگ زمانی به وجود می‌آید که شهود زیسته نشان می‌دهد که دست‌کم اغلب دعاهای حاجتمندانه، بی‌تاثیر هستند؛ تقریباً تمام بیماران سخت، در معرض دعاهای نزدیکانشان هستند، تیم‌های ورزشی و بسیاری از ورزشکاران، در میادین حساس بین‌المللی، مورد دعای طرفدارانشان قرار می‌گیرند، برای همه زوج‌های تازه ازدواج کرده، دعای خوشبختی می‌کنند اما کیست که نداند بسیاری و شاید هم اغلب بیماران سخت، جان خود را از دست می‌دهند، تیم‌های ورزشی و ورزشکاران در میدان، شکست می‌خورند و بسیاری از زوج‌های جوان کارشان به طلاق قانونی یا طلاق عاطفی می‌کشد! طبیعی است که با وجود یک چنین کارنامه‌ی سیاهی، انسان مدرن عقل‌گرا، یا اساس دعا و نیایش را انکار می‌کند و یا در بالاترین سطح، وجود خداوند را نفی می‌نماید. اما واقعیت این است که اکثر قریب به اتفاق امور دنیوی، تحت سیطره‌ی عقل و اراده و تدبیر انسانی قرار دارد. درمان بیماران، وابسته به علم پزشکی است، پیروزی تیم ملی، به تدبیر و تمرین متکی است و خوشبختی یک زوج جوان، منوط است به انتخاب، شناخت و مهارت‌های ارتباطی. در عموم مسائل بشری، این عقل و علم است که حاکم است اما عموم دینداران، به علل روانشناختی، تربیتی و سنتی، از درک این مهم عاجزند. لذا در قدم نخست، در پاسخ به پرسش اول باید گفت که رویکرد حداکثری نسبت به تاثیرپذیریِ خداوند و تحقق حاجات، باطل است. جهان مادی، بطور حداکثری بر پایه‌ی دعا و معجزات نمی‌گردد و امورات بشری، نیازمند تدبیر عقلانی است. ...

ادامه در همین صفحه

ادامه از همین صفحه...

اما شواهد و تجربه‌های زیسته‌ی مومنانه نشان می‌دهد که دست کم برخی دعاهای حاجت، محقق می‌شوند. برخی خواسته‌های بزرگ به یاری دعای حاجت، برآورده می‌گردند. برخی بیماران سخت شفا، می‌یابند، برخی گرفتاری‌ها و مصیبت‌های عظیم، مرتفع می‌گردند و برخی گره‌های سخت گشوده می‌شوند. می‌توان خداوند را تحت شرایطی مسبّب گره‌گشایی و تحقق حاجات دانست. به نظر می‌رسد خداوند زمانی از مخلوق خود تاثیر می‌پذیرد و خواسته‌ی او را برآورده می‌سازد که شروط زیر برقرار باشد:

۱. تحقق خواسته‌ی فردِ دعاکننده، خارج از توان عقلانی و قوای تدبیر بشریِ او باشد بطوری که از عقل و اراده او کاری برنیاید.

۲. خواسته‌ی فردِ دعاکننده، خلاف قوانین و سنت‌های جاری خداوند درطبیعت، نباشد.

۳. خواسته‌ی فردِ دعاکننده، خلاف ذات و عدالتِ الاهی نباشد.

۴. خواسته‌ی فرد دعاکننده، با دعا و خواسته‌ی سایر انسانها در تضاد ماهیتی نباشد.

۵. فرد دعاکننده، دچار استیصال و اضطرار بوده و از هر چه جز خداوند، قطع امید کرده باشد.

در این زمینه، ونسان برومر می‌افزاید که درخواست از خدا در ضمن دعا، باید توام با ایمان و یقین باشد اما نه آنچنان که چیزی را بر خداوند تحمیل می‌کنیم. به همین دلیل، درخواست از خدا معمولا به صورت شرطی ابراز می‌شود: از خدا تقاضا می‌شود که حاجتی را برآورد اما فقط به این شرط که او مایل به برآوردن آن حاجت باشد. فقط به اجابت نیایش‌هایی می‌توان امید بست که مومنانه ابراز شوند یا با قلبی سرشار از تمنا همراه باشند. دعاکردن به درگاه‌خدایی انسان‌وار با نگرشی توام با تردید، نقض غرض است. به نظر می‌رسد تجربه‌های زیسته‌ی باورمندان حاکی از آن است که در شرایط فوق، دعاهای گروندگان به درگاه الاهی، به احتمال زیاد مستجاب می‌گردد. این استجابتِ حداقلی و مشروط را به لحاظ فلسفی اینگونه میتوان تبیین کرد که اگر این شرایط پنجگانه محقق گردد، دعای فردِ دعاکننده، با تشخیص و تصمیم خداوند، بخشی از زنجیره‌ی علیّتِ خداوند خواهد شد و رویدادها به گونه‌ای چیدمان خواهد گشت که به تحققِ خواسته‌ی فرد منتهی شود. خداوندی که با اراده و تصمیم خود، انسان را آفریده و با اراده و تصمیم خود بخش کوچکی از قدرت و اراده‌ی خود را به او تفویض کرده، تحت شرایط خاص، از او تاثیر می‌پذیرد و زنجیره‌ی علیّت را به نفع او چیدمان می‌کند. در تکمیل این تبیین، می‌توان از مدل رولف کینگ، استاد فلسفه‌ی دین نیز بهره‌گرفت. رولف کینگ عنوان می‌کند که وجودِ یک سری موانع ذاتی وحی، موجب اختفای الاهی می‌گردد. وی می‌گوید که خداوند در چهارچوب اعتماد انسانی، خود را آشکار می‌سازد. یعنی تنها زمانی خود را بر انسان عرضه می‌کند و وجود و حضور خود را در زندگی او هویدا می‌سازد که انسان به سخن او همدلانه گوش فرا دهد، بخواهد که بشنود و به این رابطه، اعتماد کند. این شرط، شبیه اصل عشق و تسلیم است که در عرفان اسلامی از آن به عنوان دریچه اتصال با خداوند یاد می‌شود. تسلیم در ارتباط با خدا، به معنای بی‌ارادگی نیست. بلکه به معنای شاهد بودنِ بی‌طرفانه و اعتماد است. بنابراین، رولف کینگ در پاسخ به مساله‌ی اختفای خداوند، معتقد است که خداوند، درون یک سنت عملی خود را آشکار می‌سازد و انسان‌ها برای درک حضور خداوند و اتصال با ساحت او می‌باید درون یک سنت عملی، آزموده شوند و ارتباط را تمرین کنند و با خداوند وارد رابطه دیالوگی و دوسویه گردند؛ در غیر این صورت، پیامی نخواهند شنید و حضوری حس نخواهند کرد. پس با استفاده از این مدل نیز می‌توان شرط ششم استجابت دعاها را برقراری رابطه‌ی دیالوگی با خداوند و اعتماد به او دانست. به نظر می‌رسد همانقدر که رویکرد حداکثری نسبت به استجابت دعاها باطل است انکار تاثیرپذیری خداوند نیز به نظر موجه نمی‌آید. رویکرد حداقلی و مشروط نسبت به استجابت دعاها، دیدگاهی است که با تجربه‌های زیسته‌ی بشری و عقلانیت مدرن، قابل جمع است

آگهی مزایده مال غیر منقول پرونده اجرائی کلاسه شماره ۱۴۰۲۰۰۸۰۱

سمیرا فرزانه نژاد به شماره ملی ۲۱۱۰۶۱۹۰۳۱ با وکالت بعدی مرتضی بانی باستناد سند ازدواج شماره ۵۳۹۰۵ مورخ ۱۳۹۱/۰۵/۲۹ تنظیمی دفترخانه ازدواج شماره ۴ و طلاق شماره ۱۲ شهر گرگان استان گلستان با موضوع لازم الاجرای تعداد ۱۱۰ قطعه سکه تمام بهار آزادی که به نرخ روز به مبلغ ۳۱/۶۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال (سی و یک و میلیارد و ششصد و بیست و پنج میلیون ریال) تقویم گردیده است مبادرت به صدور اجرائیه علیه آقای علی اکبر پورعدالتی به شماره ملی ۲۰۹۱۵۰۱۸۶۸ نموده پرونده تحت کلاسه ۱۴۰۲۰۲۲۸۳ در اداره اجرای گرگان تشکیل و در اجرای ماده ۳۰ و ۳۱ آیین نامه اجرا به واحد اجرای گنبدکاووس اعطای نیابت و به شماره بایگانی ۱۴۰۲۰۰۸۰۱ در این اجرا تشکیل گردید که برابر درخواست بستانکار و وکیل بستانکار پلاک ثبتی ۱۸۵۳۷ فرعی از یک اصلی متعلق به مدیون و سهم الارث مدیون مدیون در سه دانگ مشاع از پلاک ثبتی ۱۸۵۳۷ فرعی از یک اصلی متعلق به ساقی پور عدالتی را نموده که به شرح زیر بازداشت گردید ۱ - پلاک ثبتی شماره ۱۸۵۳۷ فرعی از ۱ اصلی بخش ۱۰ ناحیه ۰۱ مسکونی ذیل شماره بازداشتی ۱۴۰۲۰۰۸۰۱ به مساحت (۳۰۰) سیصد متر مربع با شماره دفتر بازداشتی الکترونیک ۱۴۰۲۰۵۸۱۲۰۰۴۰۰۳۶۲۰ مالک خانم / آقای علی اکبر پور عدالتی شماره ملی ۲۰۹۱۵۰۱۸۶۸ نام پدر ساقی مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان متن سهم: مقدار ۳ دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان یک باب خانه دارای سند مالکیت تعریضی با شماره چاپی ۵۸۹۵۵۷ سری ج سال ۰۱ به نفع سمیرا فرزانه نژاد و حقوق دولتی، در دفتر بازداشتی و پرونده ثبتی و سند مالکیت قید گردیده است. موقعیت ملک در نقشه کاداستر متعاقبا مشخص خواهد شد توضیحات: در قبال مبلغ ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی به نفع بستانکار بانضمام ۵٪ بابت نیم عشر اجرایی و صندوق دولت

*** که با توجه به اعتراض مدیون نسبت به مستثنیات دین بودن سهم مشاعی به اعتراض ایشان رسیدگی و در نهایت برابر رای هیات محترم نظارت ۱/۵ دانگ مشاع مستثنیات دین تشخیص داده شد و مزایده نسبت به ۱/۵ دانگ باقیمانده برگزار خواهد شد.

۲- پلاک ثبتی شماره ۱۸۵۳۷ فرعی از ۱ اصلی بخش ۱۰ ناحیه ۰۱ مسکونی ذیل شماره بازداشتی ۱۴۰۲۰۰۸۰۱ به مساحت (۳۰۰) سیصد متر مربع با شماره دفتر بازداشتی الکترونیک ۱۴۰۳۰۵۸۱۲۰۰۴۰۰۱۴۹۰ مورد ثبت شماره ۴۹۲۸۹ در صفحه ۳۰۱ دفتر ۲۹۴ دفاتر بخش ده ناحیه یک حوزه ثبت ملک گنبد کاووس مالک خانم / آقای ساقی پور عدالتی شماره ملی نام پدر قاسم مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه متن سهم: شش دانگ عرصه مفروزی دارای سند مالکیت اصلی با شماره چاپی به نفع سمیرا فرزانه نژاد و حقوق دولتی در دفتر بازداشتی و پرونده ثبتی و سند مالکیت قید گردیده است. موقعیت ملک در نقشه کاداستر متعاقبا مشخص خواهد شد. توضیحات: بازداشت سهم الارث علی اکبر پورعدالتی در پلاک ثبتی ۱۸۵۳۷ فرعی از یک اصلی متعلق به ساقی پور عدالتی در قبال مبلغ ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی به نفع بستانکار بانضمام ۵٪ بابت نیم عشر اجرایی و صندوق دولت. وکیل بستانکار تقاضای برگزاری مزایده را نمود

وضعیت ثبتی پلاک ۱۸۵۳۷ فرعی (هجده هزار و پانصد و سی و هفت فرعی) از ۱ اصلی (یک اصلی) بخش ۱۰ ناحیه ۰۱ به شرح ذیل اعلام میگردد

مشخصات ملک: یک قطعه خانه نوع ملک طلق با کاربری مسکونی به پلاک ثبتی ۱۸۵۳۷ فرعی (هجده هزار و پانصد و سی و هفت فرعی) از ۱ اصلی، مفروز و مجزا شده از فرعی واقع در بخش ۱۰ ناحیه ۰۱ حوزه ثبت ملک گنبد کاووس استان گلستان به مساحت (۳۰۰) متر مربع (سیصد متر مربع)

متن ملک شماره هجده هزار و پانصد و سی و هفت فرعی از یک اصلی مفروز و مجزی شده از شماره هفده هزار و چهارصد و نود و دو فرعی قطعه سیصد و نه تفکیکی واقع در ناحیه یک بخش ده حوزه ثبتی گنبدکاووس استان گلستان به مساحت (۳۰۰) سیصد متر مربع. به حدود شمالاً: دیواریست بطول (۱۲/۵) دوازده متر و پنجاه سانتیمتر به قطعه سیصد و چهار تفکیکی شرقا: دیواربدیوار بطول (۲۴/۰۰) بیست و چهار متر به قطعه سیصد و هشت تفکیکی جنوبا: درب و دیواریست بطول (۱۲/۵۰) دوازده متر و پنجاه سانتیمتر به خیابان نه و نیم متری غربا: دیوار بدیوار بطول (۲۴/۰۰) بیست و چهار متر به قطعه سیصد و ده تفکیکی

مشخصات مالکیت:

مالکیت علی اکبر / پورعدالتی فرزند ساقی شماره شناسنامه ۱۲۷۰ تاریخ تولد ۱۳۶۷/۱۰/۰۵ صادره از زوند دارای شماره ملی ۲۰۹۱۵۰۱۸۶۸ با جز سهم ۳ از کل سهم ۶ بعنوان مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان متن سهم: مقدار ۳ دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان یک باب خانه با شماره مستند مالکیت ۱۴۲۷۷ تاریخ ۱۳۸۸/۰۲/۲۸ موضوع سند مالکیت تعریضی بشماره چاپی ۵۸۹۵۵۷ سری ج سال ۰۱ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۲۲۰۳۱۲۰۰۴۰۱۳۳۷۴ ثبت گردیده است. مالکیت ساقی / پور عدالتی فرزند قاسم شماره شناسنامه ۶۵۰ تاریخ تولد دارای شماره ملی با جز سهم ۳ از کل سهم ۶ بعنوان مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه متن سهم: شش دانگ عرصه مفروزی با شماره مستند مالکیت ۱۱۵۰۰۶ تاریخ ۱۳۷۸/۰۹/۰۷ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی که در صفحه ۳۰۱ دفتر املاک جلد ۲۹۴ ذیل شماره ۴۹۲۸۹ ثبت گردیده است

محدودیت: یک مورد بازداشت دائم بموجب دستور شماره ۱۴۰۲۰۵۸۱۲۴۱۶۰۰۱۲۷۸ مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۱ صادره از واحد اجرای اسناد گنبد کاووس ذیل شماره بازداشتی ۱۴۰۲۰۰۸۰۱ به نفع سمیرا فرزانه نژاد و حقوق دولتی برای مالکیت علی اکبر پور عدالتی. یک مورد بازداشت دائم بموجب دستور شماره ۱۴۰۳۰۵۸۱۲۴۱۶۰۰۰۳۴۱ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۰۲ صادره از واحد اجرای اسناد رسمی گنبدکاووس ذیل شماره بازداشتی ۱۴۰۲۰۰۸۰۱ به نفع سمیرا فرزانه نژاد و حقوق دولتی برای مالکیت ساقی پور عدالتی. بازداشت می باشد.

توصیف اجمالی مورد مزایده ۱/۵ دانگ مشاع از سه دانگ پلاک ثبتی ۱۸۵۳۷ فرعی از یک اصلی متعلق به علی اکبر پورعدالتی آدرس: گنبدکاووس خیابان سیلان کوچه هفتم پلاک ۵ کدپستی ۴۹۷۱۸۵۵۹۱۴ مشخصات یو تی ام V: ۳۳۸۲۹۳-X- ۴۱۲۲۶۴۳ ششدانگ عرصه و اعیان به مساحت ۳۰۰ متر مربع می باشد.

حدود اربعه ملک: شمالاً: دیواریست بطول (۱۲/۵۰) دوازده متر و پنجاه سانتیمتر به قطعه سیصد و چهار تفکیکی شرقا: دیواربدیوار بطول (۲۴/۰۰) بیست و چهار متر به قطعه سیصد و هشت تفکیکی جنوبا: درب و دیواریست بطول (۱۲/۵۰) دوازده متر و پنجاه سانتیمتر به خیابان نه و نیم متری غربا: دیوار بدیوار بطول (۲۴/۰۰) بیست و چهار متر به قطعه سیصد و ده تفکیکی

اعیانی شامل یک ساختمان دو طبقه با ساختار آجری، سقف، طاق ضربی، طبقه اول به مساحت حدود ۱۵۰ متر مربع با قدمت حدود ۲۰ سال دارای هال و پذیرایی و آشپزخانه، دو اتاق خواب، سرویس بهداشتی و حمام درب های داخلی چوبی، سیستم گرمایش بخاری، طبقه دوم مساحت ۱۰۰ متر مربع دارای هال و پذیرایی، سرویس بهداشتی و حمام، آشپزخانه درب ضد سرقت درب ورودی آهنی و امتیازات و انشعابات منصوبه می باشد با توجه به اظهارات آقای علی اکبر پور عدالتی (بدهکار) ملک مورد نظر در تصرف خانم کنیز حاجی حسینی همسر مرحوم) ساقی پور عدالتی) می باشد.

با توجه به موقعیت قرار گیری ملک مبلمان شهری ساختار بنا، ابعاد، مساحت عرصه و اعیان و سایر عوامل موثر ارزش ششدانگ عرصه و اعیان ملک مورد نظر بدون در نظر گرفتن بدهی های احتمالی به افراد حقیقی و حقوقی در صورت قابل انتقال بودن به غیر در تاریخ گزارش کارشناسی (۱۴۰۳/۰۵/۲۲) مجموعا به مبلغ ۷۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال معادل هفت میلیارد و پانصد میلیون تومان برآورد می گردد که ارزش سه دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان پلاک ثبتی مورد نظر به مبلغ ۳۷/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال معادل سه میلیارد و هفتصد و پنجاه میلیون تومان برآورد می گردد که ارزش یک و نیم دانگ مشاع از سه دانگ عرصه و اعیان پلاک ثبتی مورد نظر به مبلغ ۱۸/۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال معادل یک میلیارد و هشتصد و هفتاد و پنج میلیون تومان بر آورد و اعلام می گردد.

توصیف اجمالی سهم الارث مدیون در مقدار سه دانگ مشاع از پلاک ثبتی ۱۸۵۳۷ فرعی از یک اصلی متعلق به ساقیپورعدالتی آدرس: گنبدکاووس خیابان سیلان کوچه هفتم پلاک ۵ کدپستی ۴۹۷۱۸۵۵۹۱۴ یو تی ام V: ۳۳۸۲۹۳-X- ۴۱۲۲۶۴۳ ششدانگ عرصه و اعیان به مساحت ۳۰۰ متر مربع می باشد.

حدود اربعه ملک: شمالاً: دیواریست بطول (۱۲/۵۰) دوازده متر و پنجاه سانتیمتر به قطعه سیصد و چهار تفکیکی شرقا: دیواربدیوار بطول (۲۴/۰۰) بیست و چهار متر به قطعه سیصد و هشت تفکیکی جنوبا: درب و دیواریست بطول (۱۲/۵۰) دوازده متر و پنجاه سانتیمتر به خیابان نه و نیم متری غربا: دیوار بدیوار بطول (۲۴/۰۰) بیست و چهار متر به قطعه سیصد و ده تفکیکی. اعیانی شامل یک ساختمان دو طبقه با ساختار آجری، سقف، طاق ضربی، طبقه اول به مساحت حدود ۱۵۰ متر مربع با قدمت حدود ۲۰ سال دارای هال و پذیرایی و آشپزخانه، دو اتاق خواب، سرویس بهداشتی و حمام درب های داخلی چوبی، سیستم گرمایش بخاری، طبقه دوم مساحت ۱۰۰ متر مربع دارای هال و پذیرایی، سرویس بهداشتی و حمام، آشپزخانه درب ضد سرقت درب ورودی آهنی و امتیازات و انشعابات منصوبه می باشد با توجه به اظهارات آقای علی اکبر پور عدالتی (بدهکار) ملک مورد نظر در تصرف خانم کنیز حاجی حسینی همسر مرحوم) ساقی پور عدالتی) می باشد. با توجه به گواهی انحصار وراثت مرحوم ساقی پور عدالتی در زمان فوت دارای یک همسر یک فرزند پسر و هفت دختر می باشد. با توجه به موقعیت قرار گیری ملک مبلمان شهری ساختار بنا، ابعاد، مساحت عرصه و اعیان و سایر عوامل موثر ارزش ششدانگ عرصه و اعیان ملک مورد نظر بدون در نظر گرفتن بدهی های احتمالی به افراد حقیقی و حقوقی در صورت قابل انتقال بودن به غیر در تاریخ گزارش کارشناسی (۱۴۰۳/۰۵/۲۲) مجموعا به مبلغ ۷۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال معادل هفت میلیارد و پانصد میلیون تومان برآورد می گردد که ارزش سه دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان پلاک ثبتی مورد نظر به مبلغ ۳۷/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال معادل سه میلیارد و هفتصد و پنجاه میلیون تومان برآورد می گردد سهم علی اکبر پور عدالتی از سهم الارث سه دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی مذکور ۷/۲۹۱/۶۶۶/۶۶۶ ریال می باشد

مبلغ پایه مزایده: مقدار یک و نیم دانگ مشاع از سه دانگ پلاک ثبتی ۱۸۵۳۷ فرعی از یک اصلی متعلق به علی اکبر پورعدالتی به مبلغ ۱۸/۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (هجده میلیارد و هفتصد و پنجاه میلیون ریال) معادل یک میلیارد و هشتصد و هفتاد و پنج میلیون تومان. سهم الارث مدیون از سه دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی ۱۸۵۳۷ فرعی از یک اصلی متعلق به مرحوم ساقی پور عدالتی به مبلغ ۷/۲۹۱/۶۶۶/۶۶۶ ریال (هفت میلیارد و دویست و نود و یک میلیون و ششصد و شصت و شش هزار و ششصد و شصت و شش ریال) لذا جلسه مزایده پلاک ثبتی مذکور متعلق به علی اکبر پور عدالتی و سهم الارث مدیون در پلاک ثبتی مذکور متعلق به مرحوم ساقی پور عدالتی از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر روز یکشنبه مورخ بیست و پنجم شهریور ماه یکهزار و چهارصد و سه (۱۴۰۳/۰۶/۲۵) در اداره ثبت اسناد و املاک گنبد کاووس (شعبه اجرا) واقع در خیابان امام خمینی (ره) جنوبی جنب هلال احمر از طریق مزایده به فروش می رسد. مزایده مقدار یک و نیم دانگ مشاع از سه دانگ پلاک ثبتی ۱۸۵۳۷ فرعی از یک اصلی متعلق به علی اکبر پورعدالتی به مبلغ ۱۸/۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (هجده میلیارد و هفتصد و پنجاه میلیون ریال) معادل یک میلیارد و هشتصد و هفتاد و پنج میلیون تومان و سهم الارث مدیون از سه دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی ۱۸۵۳۷ فرعی از یک اصلی متعلق به مرحوم ساقی پور عدالتی به مبلغ ۷/۲۹۱/۶۶۶/۶۶۶ ریال (هفت میلیارد و دویست و نود و یک میلیون و ششصد و شصت و شش هزار و ششصد و شصت و شش ریال) به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته می شود و کلیه هزینه های قانونی به عهده برنده مزایده است و نیم عشر و حق مزایده نقداً وصول خواهد شد شرکت در جلسه مزایده برای عموم آزاد است لیکن طالبین و خریداران یا نماینده قانونی ایشان برابر ماده ۱۳۶ اصلاحی آیین نامه اجرا و تبصره آن شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت و حضور خریدار و یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است برنده مزایده مکلف است ما به التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق تودیع نماید و در صورتی که ظرف مهلت مقرر مانده فروش را به حساب سپرده ثبت واریز نکند مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد و به استناد بخشنامه شماره ۱۴۰۰/۱۱۷۹۶۴ مورخ ۱۴۰۰/۷/۴ مدیرکل محترم دفتر نظارت بر اجرای اسناد رسمی چنانچه در جلسه مزایده خریدار دیگری جز برنده مزایده حضور نداشته و شخص برنده ظرف مدت ۵ روز مقرر در ماده ۱۳۶ اصلاحی آیین نامه اجرایی مفاد اسناد رسمی نسبت به تودیع ما به تفاوت مبلغ فروش به حساب صندوق ثبت اقدام ننماید و بستانکار متقاضی تجدید مزایده نباشد در اینصورت مورد مزایده با رعایت تشریفات ماده اخیرالذکر بر مبنای پایه مزایده به بستانکار پرونده واگذار گردد و فروش مال به نسیه در صورتی جایز است که متعهدله فروش به نسیه را قبول و مدیون نیز مازاد را نقدا دریافت و یا نسبت به مازاد نسیه را قبول نماید. در هر صورت خود مسئول وصول خواهند بود و حق مزایده نقدا دریافت می شود. م الف: ۱۰۴۶۸ تاریخ انتشار: یک شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۱۱ (یازدهم شهریور ماه یکهزار و چهارصد و سه خورشیدی)

هادی عطایی مقدم- مسئول واحد اجرای اسناد رسمی گنبدکاووس

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای محمد موسی پور برابر درخواست وارده بشماره ۱۴۰۳۲۱۷۰۴۰۰۵۰۰۹۰۰۶ - ۱۴۰۳/۰۶/۱۰ ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است که سند مالکیت ششدانگ خانه بشماره پلاک ۲۷ فرعی از ۲۹۶۹ اصلی واقع در مرند بخش ۱۵ تبریز در صفحه ۳۶۲ دفتر املاک جلد ۱۷۹ ذیل ۴۱۱۹۶ به نام محمد موسی پور ثبت و سند مالکیت آن صادر و تسلیم گردیده است و بعداً تمامی مورد ثبت برابر سند اجاره ۲۱۴۷۱۷ – ۹۶/۰۱/۰۸ دفتر ۶۸ مرند در حق خانم بتول جبرئیلی واگذار گردیده بعداً مالک اولیه مدعی فقدان سند مالکیت پلاک فوق الذکر به علت جابجایی گردیده و نامبرده درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده است لذا مراتب به استناد تبصره یک ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی بمدت ۱۰ روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد. تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱

مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مرند – محرم کنعانی